نقدی پیرامون سخنرانی دکتر فیرحی با عنوان «عاشورا و بحران خلافت»

مدل سیاسی یثرب، الیگارشی یهود بود نه دموکراسی

تحلیل

محمدعلی رنجبر

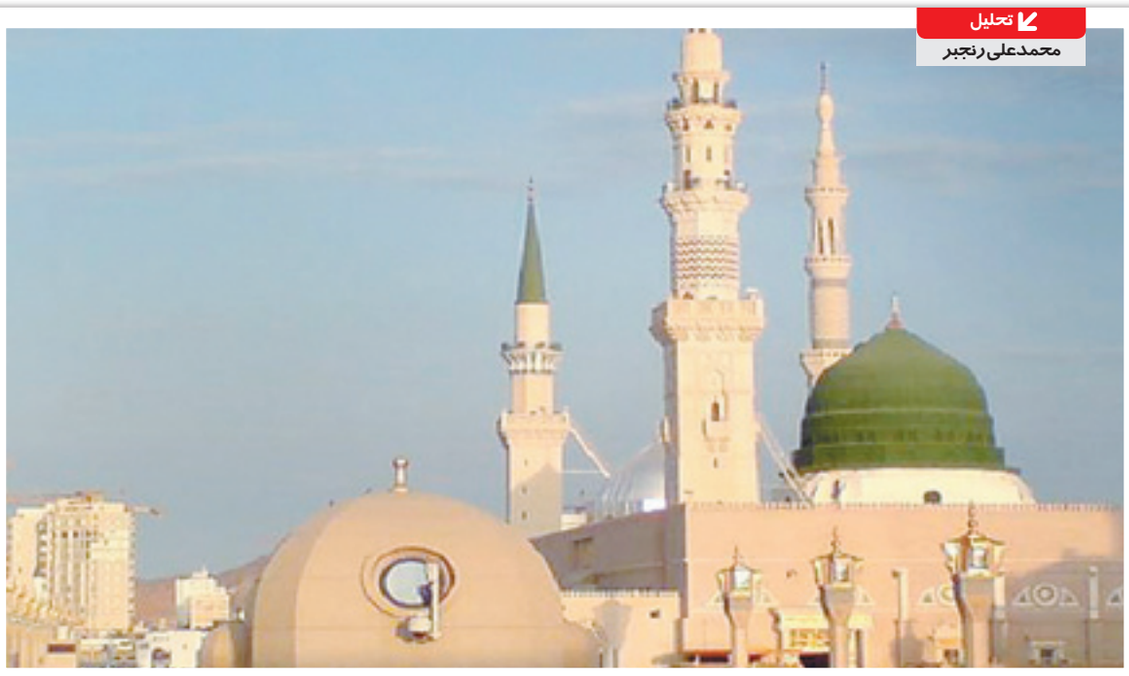

بررسی پیرامون علل و عوامل رخداد حادثه عاشورا با نگرش‌های متفاوت سیاسی و با پیش‌فرض‌های ایدئولوژیک نتایج متفاوتی را دربر دارد، گاهی چپ‌گرایان تفاسیر سوسیالیستی از قیام ایشان ارائه کرده‌اند؛ گاه برخی با تحلیل‌های عرفانی و غیرسیاسی این حرکت را صرفاً فردی و غیراجتماعی دانسته‌اند؛ گاهی هم از سوی لیبرال‌ها با تفاسیر آزادی‌گرایانه، وجهه دینی بودن قیام را کمرنگ جلوه می‌دهند. همه اینها را می‌توان ذیل مفهومی قرار داد که شهید مطهری از آن تحت عنوان «تحریف معنوی» واقعه عاشورا یاد می‌کند.

چندی پیش حجت‌الاسلام داوود فیرحی، در مواضعی پیرامون علل وقوع حادثه کربلا، ریشه واقعه کربلا را به مدل حکومتی اشرافی مکه و مدل شورایی مدینه و تلفیق این دو مدل و تفوق مدل حکومتی مکی پس از رحلت پیامبر(ص) به رغم میل ایشان منتسب کردند. این در حالی است که به نظر می‌رسد این بحث در مبادی اولیه دچار لغزش بوده و انطباق چندانی با فکت‌های تاریخی و جغرافیای سیاسی مکه و یثرب ندارد.

در نوشتاری که هفته گذشته در همین صفحه انتشار یافت، ادعای ایشان پیرامون مدل حکومت مکه مورد بررسی قرار گرفت و با حقایق تاریخی مطابقت داده شد و نتیجه آن شد که مدل حاکمیتی در دولت شهر مکه، «الیگارشی» مبتنی بر حاکمیت قریش بود. ضمن اینکه عرض شد دموکرات‌ترین حرکت تروریستی در طول تاریخ بشریت را در مکه شاهد بودیم، زمانی که در «دارالندوه» جمع شدند و تصمیم گرفتند تا از هر قوم و قبیله یک نفر برای کشتن پیامبر (ص) اقدام کند. لذا با این شواهد تاریخی اثبات شد مدعای دکتر فیرحی مبتنی بر واقعیت و فکت تاریخی نیست.

اما در بخش دیگر این مقاله یکی دیگر از مدعیات دکتر فیرحی را مورد ارزیابی قرار خواهیم داد. ایشان در ادعایی، باز هم بدون دلیل و مدرک تاریخی، مدعی می‌شوند که مدل حاکمیتی قبل از ورود حضرت رسول (ص) به یثرب، مدل شورایی بود و حضرت رسول برای اداره جامعه خود، مدل تازه‌ای تأسیس نکرده و در واقع همین مدل را امضا کردند اما واقعه سقیفه، غلبه مجدد مدل مکی (یا بنا بر قول ایشان مدل دیکتاتوری مکی) بر مدل مدنی (یعنی مدل شورایی و دموکراتیک) بود. پس یکی از مدعیات اصلی ایشان این است که مدل یثربی (البته ایشان می‌گویند مدل مدنی و عنایت ندارند که یثرب بعد از ورود حضرت به آن شهر تغییر نام داده شد) مدلی شورایی و دموکرات بود.

متأسفانه همان‌طور که در بخش قبلی هم بیان شد، ایشان باز هم به روش علمی و متد منطقی و اصولی پایبند نبوده و بدون دلیل و مدرک این مسئله را بیان می‌کنند. شواهد نشان می‌دهد مدل دولت شهر یثرب هم مدلی الیگارشی منتها مبتنی بر حاکمیت یهود بر این شهر بود. برای بررسی بهتر این مسئله قدری راجع به تاریخچه و ویژگی‌های یثرب توضیح خواهیم داد.

برخی از ویژگی‌های یثرب

۱- یثرب بر خلاف مکه که اقتصادش بر پایه سوداگری و تجارت بنا نهاده شده بود، اقتصادی فئودالی و مبتنی بر زراعت و باغداری و کشاورزی داشت. (برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به آثار المدینه المنوره، ص ۲۱۰)

۲- در یثرب دو قبیله عرب به نام‌های اوس و خزرج- که خزرج جمعیتی بسیار بیشتر از اوس داشت- زندگی می‌کردند. در کنار این دو قبیله عمده عرب، سه قبیله یهودی که در مجاورت مدینه حضور داشتند، زندگی می‌کردند، آنها عبارت بودند از: بنی‌نضیر، بنی‌قریظه و بنی‌قینقاع (برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به آثار المدینه المنوره، ص ۲۱۰)

۳- قبایل اوس و خزرج هر کدام محلی برای شور سران خود داشتند که به سقیفه مشهور بود. چیزی شبیه دارالندوه مکه منتها باز هم تنها مردان آزاد و بالغ حق اظهار نظر داشتند که البته اظهار نظر آنها در برابر شیخ و بزرگ قبیله کان لم یکن بود. (برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به معالم المدینه المنوره، ج ۱، ص ۴۵۹.)

استثمار اوس و خزرج از سوی یهودیان حاضر در یثرب

شیوه اقتصادی حاکم بر مدینه فرصت بسیار مغتنمی برای یهودیان ایجاد کرد که با ایجاد اختلاف و درگیری بین دو قبیله عرب حاضر در یثرب یعنی اوس و خزرج، آنها را سرگرم جنگ و نزاع و درگیری و ناامنی کرده و خود مشغول زراعت و کشاورزی و عمران و آبادانی مزارع و باغات و استحکام حصونشان شوند. ضمن اینکه آنها در کنار اشتغال به زراعت در صنعت اسلحه‌سازی نیز تبحر یافته و با ایجاد نزاع و درگیری بنیان‌افکن بین اوس و خزرج، که منجر به جنگ می‌شد، بازار بسیار بزرگی برای فروش اسلحه‌های خود ایجاد می‌کردند. (ر. ک: حضاره العرب فی عصر الجاهلیه، ص ۱۷۸)

> قدرت اقتصادی و البته خباثت یهودیان که مدام سعی در ایجاد تفرقه بین اوس و خزرج داشتند، منجر به ایجاد قدرت سیاسی فراوان برای یهودیان شد و عملاً دولت‌شهر یثرب هیچ اختیاری از خود نداشت

با سرگرم شدن اوس و خزرج به جنگ و درگیری، که لازمه آن ناامنی و عدم رشد اقتصادی بود، بیش از پیش نیاز به پول برای خرید مایحتاج زندگی و اسلحه پیدا کردند، این نیاز آنها را به سمت یهودیان می‌کشاند و یهودیان هم با یک شیوه همیشگی یعنی دادن قرض ربوی پول مورد نیاز آنها را تأمین می‌کردند و جالب اینکه برای خرید محصولات کشاورزی و البته اسلحه باز هم باید سراغ یهودیان می‌رفتند، یعنی یهودیان به آنها قرض ربوی می‌دادند و مجدد پولی که قرض داده بودند را خود گرفته و در مقابلش اسلحه و مایحتاج زندگی به اوس و خزرج می‌فروختند. از طرفی اوس و خزرج توانایی بازپرداخت آن قرض ربوی را نداشتند و یهودیان در مقابل قرض خود، زمین‌های آنها را صاحب می‌شدند و بعد هم برده و فرزندان آنها را، در نتیجه اوس و خزرج بعد از یک پروسه زمانی کاملاً به خاک سیاه نشانده و استثمار کامل شده بودند.

الیگارشی یهود حاکم بر یثرب

قدرت اقتصادی و البته خباثت یهودیان که مدام سعی در ایجاد تفرقه بین اوس و خزرج داشتند، منجر به ایجاد قدرت سیاسی فراوان برای یهودیان شد و عملاً دولت شهر یثرب هیچ اختیاری از خود نداشت و به مثابه یک شهر استعمارزده و استثمارشده کاملاً در اختیار اراده و سیاست‌های یهودیان قرار گرفت. قرآن در این باره این وضعیت رقت‌انگیز و افتراق شدید در آستانه سقوط کامل را این‌گونه تشریح می‌کند و به یاد انصار مدینه می‌اندازد و می‌فرمایند: «وَاعتَصِموا بِحَبلِ اللهِ جَمیعاً وَلا تَفَرَّقوا وَاذکُروا نِعمَتَ اللهِ عَلَیکُم إِذ کُنتُم أَعداءً فَأَلَّفَ بَینَ قُلوبِکُم فَأَصبَحتُم بِنِعمَتِهِ إِخواناً وَکُنتُم عَلی شَفا حُفرَةٍ مِنَ النّارِ فَأَنقَذَکُم مِنها کَذالِکَ یُبَیِّنُ اللهُ لَکُم آیاتِهِ لَعَلَّکُم تَهتَدونَ» (آل عمران/۱۰۳)

و همگی به ریسمان خدا [= قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت]، چنگ زنید و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگِ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد، و به برکتِ نعمتِ او، برادر شدید! و شما بر لبِ حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید. این آیه شریفه بر این نکته تأکید ویژه دارد که اوس و خزرج در تفرقه شدیدی به سر می‌بردند که آنها را در لبه پرتگاهی از حفره آتش قرار داده بود، اما به برکت اسلام آنها از زیر بار سلطه الیگارشی یهود نجات یافته و تبدیل به اِخوَه و برادر شدند.

ضمن اینکه در مقام هشدار به مسلمین است که مراقب نفوذ مجدد یهودیان در بین خود باشند چون آیات قبل می‌فرماید: قُلْ یَا أَهْلَ الْکِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِیلِ اللهِ مَنْ آمَنَ تَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَنتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (آل عمران/۹۹) «ای اهل کتاب! چرا افرادی را که ایمان آورده‌اند، از راه خدا بازمی‌دارید و می‌خواهید این راه را کج سازید؟! در حالی که شما (به درستی این راه) گواه هستید؛ و خداوند از آنچه انجام می‌دهید غافل نیست. و نیز آیه شریفه: «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِن تُطِیعُوا فَرِیقاً مِّنَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتَابَ یَرُدُّوکُم بَعْدَ إِیمَانِکُمْ کَافِرِینَ» (آل عمران/۱۰۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از گروهی از اهل کتاب (که کارشان نفاق‌افکنی و شعله‌ور ساختن آتش کینه و عداوت است) اطاعت کنید شما را پس از ایمان به کفر بازمی‌گردانند. آیات فوق به خوبی نشان می‌دهد که یهودیان بعد از ورود پیامبر به یثرب که نام آن شهر را به مدینه تغییر داده و مقر حکومت خود کرده بودند، در صدد بودند تا مجدد سلطه و نفوذ خود را بازیابند و این آیات قرآن در مقام هشدار به مسلمین و یادآوری گذشته استثمارزده و افتراق و زندگی رقت‌آمیز آنهاست.

> هم مکه و هم یثرب هر دو الیگارشی بودند. الیگارشی قریش در مکه و الیگارشی یهود در مدینه! و پیامبر اسلام با هر دوی این الیگارشی‌ها مبارزه کردند و مدلی خاص و ویژه برای حکومت بنا نهادند

جمع‌بندی

با توجه به آنچه بیان شد و استنادات قرآنی، مدعای دکتر فیرحی مبنی بر اینکه مدل حکومتی در یثرب مدلی «شورایی و دموکرات» بود، کاملاً خلاف واقعیات و فکت‌های تاریخی است. اساساً یکی از دلایل دعوت از پیامبر (ص) برای حضور در یثرب از سوی اوس و خزرج این بود که آنها دیگر چیزی برای از دست دادن نداشتند و کاملاً استثمار شده بودند، لذا در پی یک منجی بودند تا آنها را از این وضعیت رقت بار و ذلیلانه نجات دهد. لذا نه مکه دیکتاتوری محض مورد نظر دکتر فیرحی بود و نه یثرب مدل شورایی و دموکرات مورد نظر ایشان، بلکه هم مکه و هم یثرب هر دو الیگارشی بودند. الیگارشی قریش در مکه و الیگارشی یهود در مدینه! و پیامبر اسلام با هر دوی این الیگارشی‌ها مبارزه کردند و مدلی خاص و ویژه برای حکومت بنا نهادند که در بخش بعدی این مقاله به آن خواهیم پرداخت.

پیشخوان

ششمین شماره «اندیشه‌نامه» منتشر شد

شماره ششم مجله علوم انسانی و مطالعات اجتماعی اندیشه‌نامه با سردبیری جعفر حسن‌خانی منتشر شد.

شماره ششم مجله علوم انسانی و مطالعات اجتماعی اندیشه‌نامه منتشر شد. سرمقاله این شماره به قلم سیدنظام موسوی با عنوان «تکرارنشدنی» و جعفر حسن‌خانی تحت عنوان «انقلاب علیه تغلب» به بررسی تاریخ معاصر ایران و استفاده روشنفکران از راهبرد تغلب پرداخته است.

عکس جلد این مجله تلمیح گرفته شده از عکسی تاریخی در انقلاب اسلامی ایران است که مردم به صورت جمعی اقدام به پایین کشیدن مجسمه شاه کردند و با جابه‌جایی نمادها و قرار دادن «گاو وال‌استریت» به خوبی نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی ایران انقلابی علیه لیبرال سرمایه‌داری بوده و با عنوان «قلب تاریخ» بر این موضوع تأکید شده است. در ابتدای مجله با گفتارهایی از کریم مجتهدی، عماد افروغ، عبدالحسین خسروپناه و محمدرضا مرندی تحت عنوان «راه ماه» به اهمیت مبحث علوم انسانی و فقر تولید محتوا در ایران پرداخته شده است. مجله با بخش «نامه‌ها» شروع می‌شود و سرفصل‌های پژوهشنامه با عنوان انقلاب بدون گیوتین به بررسی مقایسه‌ای ترمیدوری در انقلاب اسلامی و انقلاب فرانسه، شریعت‌نامه به بررسی دین در ظهور و تداوم انقلاب اسلامی و مردم‌نامه به بررسی نقش و مطالبات مردم در طول انقلاب اسلامی پرداخته است.

این مجله علوم انسانی حاوی شش پرونده ویژه با موضوعات پهلویسم، نارسایی، خانه خوبان، بیم و امید و نقطه ثقل است.

پرونده پهلویسم به بررسی حکومت ۵۳ ساله پهلوی در ایران پرداخته و در همین زمینه با یعقوب توکلی، مظفر شاهدی، سیدمهدی طالقانی، محمدحسین دانایی و محمدرضا کائینی گفت‌وگو و یادداشت‌هایی به قلم سیدمصطفی تقوی، امیر خوش‌صحبتان، مرضیه کمایی و مریم فرزام منتشر شده است. در پرونده نارسایی به تبیین و بررسی شش نظریه غربی اشخاصی چون نیکی کدی، میشل فوکو، پرواند آبراهامیان، جان فوروان، تدا اسکاچ پل و بابی سعید پیرامون انقلاب اسلامی پرداخته شده است.

در پرونده خانه خوبان به دستاوردهای تاریخ ۴۰ ساله انقلاب اسلامی پرداخته شده و در همین راستا با صالحی فراهانی، منوچهر آشتیانی، هرمیداس باوند، بذرافکن، عادل پیغامی و عبدالمجید بنافی و دو اندیشمند خارجی اریک والبرگ فیلسوف کانادایی و خوان آنتونیو آگیلار گفت‌وگو شده است.

در بخش ترجمه یادداشت‌هایی از یوهان هری، اسلاوی ژیژک فیلسوف اسلوونیایی، آلفردو سعدفیلهو، جرج منبیوت نظریه‌پرداز بریتانیایی، مایکل پر، جانسن هیکل و مارتین کیک آورده شده است.

در قسمت گفتاورد در دفتر مجله اندیشه‌نامه میزگردی با علیرضا شجاعی‌زند و بیژن عبدالکریمی با موضوع «انقلاب با کدام مسمی» برگزار شد.

در این شماره مصاحبه‌های تفصیلی از صالحی فراهانی، محمدحسین پناهی، مهدی طالقانی، محمدحسین دانایی، بایزید مردوخی، هرمیداس باوند، عادل پیغامی، محمدباقر خرمشاد، احمد رهدار، محمدمهدی سیار، زهیر توکلی، مهرداد صدقی، غلامرضا جمشیدیها، محمدرضا کائینی، احمدرضا انتظاری و احمد قانع منتشر شده است.

صراط

دوران غیبت، نتیجه انحراف از غدیر بود

مسئله غدیر، صرفاً یک مسئله‌ای که ما جمع شیعه به آن اعتقاد داریم و یک عده از مسلمان‌ها هم به آن اعتقاد ندارند، این نیست. در نگاه تاریخی به اسلام و در تحلیل تاریخیِ حوادث صدر اسلام، موضوع غدیر- یعنی نصب جانشین- یک ضرورتی بود که اگر آن چنان که تدبیر شده بود- تدبیر رحمانی و الهی، و تدبیر نبوی- عمل می‌شد، بدون تردید مسیر تاریخ بشر عوض می‌شد و امروز ما در جایگاه بسیار جلوتری از تاریخ طولانی بشریت قرار داشتیم. اینکه یک مکتب و نظام فراگیر نیازهای زندگی بشر، به وسیله پیامبر خاتم در جامعه فرصت پیاده شدن پیدا کند، که این خود یک معجزه بزرگ بود، که پیغمبر توانست این نظام فکری و عملی را واقعیت ببخشد و بر روی زمین واقعیت، آن را بنا کند؛ آن‌هم در دشوارترین جاها. خودِ این که در دشوارترین جاها توانسته این بنا پیاده شود و قرار بگیرد، نشان‌دهنده این بود که در همه نقاط زندگی بشر و جغرافیای انسانیِ آن روز دنیا و بعد از آن، این بنا قابل تحقق است. این شکل علمی را در مقام عمل، در دشوارترین صورت، پیغمبر توانست تحقق ببخشد. اگر این حادثه اتفاق می‌افتاد که حفظ و گسترش کمّی و گسترش کیفی در این موجود خلق شده الهی- یعنی جامعه اسلامی نبوی- می‌توانست به قدر ۱۰، ۱۲ نسل، پی‌درپی حراست و حفاظت بشود، آن وقت مسلّم بود که این حرکت در طول تاریخ بشر، شکست‌ناپذیر می‌ماند. معنایش این نبود که بشر، دوران انتظاری نخواهد داشت و خود در طول این ۱۲ نسل، به نهایت مطلوب خود خواهد رسید.

بیانات رهبر انقلاب در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع) ۸۴/۱۰/۲۹

درنگ

حجت‌الاسلام محسن الویری:

ناکارآمدی در حکومت سبب کاهش محبوبیت حوزه می‌شود

حجت‌الاسلام محسن الویری عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم(ع) پیرامون پیشرفت علمی پس از انقلاب اسلامی در این دانشگاه به ارائه تحلیل و آسیب‌شناسی وضعیت ۴۰ ساله اخیر پرداخت. الویری در این ارائه ضمن اشاره به روند پیشرفت کمی تولید علم در سال‌های اخیر گفت: البته رشد علمی از نظر کمی نمی‌تواند خیلی مایه مباهات باشد، جمعیت کشورمان به صورت طبیعی نسبت به قبل از پیروزی انقلاب اسلامی دو برابر شده و اگر همان وضعیت قبل از انقلاب هم ادامه پیدا می‌کرد شاید رشد علمی از نظر کمی چشمگیر بود. وی ادامه داد: ولی آنچه بیش از رشد کمی، مایه افتخار و مباهات است، این است که امروز شاهد رشد کیفی در انواع رشته‌های علوم انسانی هستیم، در این ۴۰ سالی که از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد، یک نگاه بومی نسبت به علم و علوم انسانی در کشور پدید آمده و این نگاه بومی به همه مؤلفه‌های اثرگذار در علم توجه دارد و همه آنها را مورد بازخوانی قرار داده است.

عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم(ع) با بیان اینکه در خوانش جدیدی که نسبت به علوم در بعد از انقلاب اسلامی داشتیم، تحولاتی اتفاق افتاده که آن را نمی‌شود دست‌کم گرفت و یک بازه زمانی ۴۰ ساله هم برای ارزیابی این موضوع، بازه زمانی مناسبی به حساب نمی‌آید، بیان کرد: باید توجه داشته باشیم، تحولات علمی در یک سال و دو سال و یک دهه اتفاق نمی‌افتد و شاید باید یک قرن بگذرد تا علم پوست بیندازد و از فضای سنتی خود عبور کند و به فضای جدید وارد شود. وی گفت: از این منظر اگر نگاه کنیم در فاصله ۴۰ سال پس از انقلاب، جهشی که شاید یک قرن زمان نیاز داشت تا این نوع نگاه و تحول در علوم انسانی پدیدار شود، اتفاق افتاده است، این تجربه بومی جدید، هنوز به شکل مطلوب مدون نشده ولی واقعاً باید گفت هنوز دیر هم نشده و باید از تدوین‌ها و نتیجه‌گیری‌های شتاب‌زده پرهیز کنیم و با تأمل این فرآیند را ادامه دهیم.

حجت‌الاسلام الویری با بیان اینکه نمی‌توان تعدد دیدگاه‌ها درباره بومی شدن مفهوم علم در کشور را انکار کرد، اظهار کرد: شاید تا ۲۰ دیدگاه را در این زمینه بتوانیم در کشور ذکر کنیم و این نشان‌دهنده فضای کاملاً بکر و جدید اندیشه‌ای است که کشور با آن روبه‌رو شده و ما این را مدیون انقلاب هستیم. وی گفت: باید مدیریت علم و سیاست‌گذاری علم به گونه‌ای صورت بگیرد که جلوی هدررفت سرمایه‌ها و هدررفت توان‌های علمی گرفته شود و در این صورت صاحبان علم دینی یا علم انسانی با گرایش بومی اسلامی می‌توانند یک گفت‌وگوی روشمند داشته باشند تا منجر به یک خروجی مشخص شود ولی حتی اگر این کار صورت نگیرد خود این آورده، یک آورده بزرگ به حساب می‌آید، ما در موضوعاتی که خودمان درگیر آن هستیم مانند مباحث تمدن و بحث‌های تاریخی حتی وقتی در مواجهه با اندیشمندان خارج از مرزهای خودمان قرار می‌گیریم، متوجه می‌شویم که واقعاً حرفی برای زدن داریم، حرفی که از آن بوی تازگی به مشام می‌رسد، البته هنوز تلاش بسیار زیادی باید انجام دهیم تا زبان مفاهمه جهانی پیدا کنیم، ما کاستی زیاد داریم ولی هرچه جلوتر می‌رویم می‌بینیم حرف‌هایی نو برای زدن داریم و تأکید می‌کنم این به معنی انکار کاستی‌ها نیست.

استاد دانشگاه باقرالعلوم(ع) در بخش دیگری از سخنان خود در ارتباط با نقش مراکز و مؤسساتی با صبغه حوزوی و دانشگاهی در زمینه تربیت نیرو برای انقلاب اسلامی، افزود: ارزیابی منصفانه درباره این مراکز نیازمند مطالعه بیشتر است، چون اینها عمدتاً ناظر به نیاز جامعه شکل نگرفته‌اند و ناظر به آرمان‌ها شکل گرفتند و دغدغه و ادعای کادرسازی نداشته‌اند، دغدغه بیشتر این مراکز و مؤسسات، عمدتاً پیگیری مباحث اندیشه‌ای است. وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به نقش حوزه و روحانیت در پیروزی انقلاب اسلامی، تصریح کرد: فضای اندیشه و نخبگانی ما دو متولی دارد، یکی روحانیون و حوزه‌های علمیه و دیگری دانشگاه‌ها، آورده‌های علمی دانشگاه عمدتاً در همان فضای نخبگانی باقی می‌ماند و راه انتقال آن به مردم اغلب مسدود است.

حجت‌الاسلام الویری گفت: این مزیت را عالمان دینی دارند که در کنار فضای علمی خود، در فرصت‌هایی از سال که با مناسبت‌های مذهبی پیوند خورده با توده مردم نیز ارتباط برقرار کنند و این یک مزیت بزرگ برای نهادی مثل حوزه است، روحانیان با تکیه بر همین ابزار توانستند اندیشه انقلاب را بین توده مردم ببرند و مردم را بسیج کنند.

وی با تأیید اینکه امروز نقش روحانیت در جامعه کمرنگ‌تر شده است، اظهار کرد: در این رابطه ما نیازمند یک کار آماری هستیم، برای مقایسه جایگاه روحانیت در حال حاضر در مقایسه با پیش از انقلاب باید به چند نکته توجه کرد، مثلاً قبل از انقلاب این رفتارهای سازمان‌یافته گسترده خارجی برای تخریب روحانیت وجود نداشت، شاید دستگاه پهلوی یک جاهایی لطیفه‌ای علیه روحانیت می‌ساخت ولی هیچ وقت این حجم سازمان‌یافته تبلیغات علیه روحانیت وجود نداشت.

عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم(ع) افزود: مهم‌ترین عامل کاهش محبوبیت به ناکارآمدی حکومت برمی‌گردد؛ همراهی مردم برای تشکیل این حکومت به‌خاطر اعتمادی بود که به صاحبان لباس روحانیت داشتند چون صاحبان این لباس گفتند قرار است یک تحول عمیق و مثبت اتفاق بیفتد و مردم به آنها اعتماد کردند ولی حالا احساس می‌کنند کارآمدی به آن شکل که گفته می‌شد و انتظار ایجاد کرده بود محقق نشده است، اعتماد مردم به روحانیت یک‌ساله و دوساله به‌دست نیامده بود، بلکه انباشت یک تجربه چند قرنه بود و وقتی به نتیجه‌ای که منتظرش بودند نرسیدند، به صورت طبیعی طلبکار روحانیان شده‌اند. حجت‌الاسلام الویری گفت: مناسب‌ترین راه برون‌رفت از این وضعیت این است که ما از اصرار بر اینکه همه طلبه‌ها صدای واحد داشته باشند و یک نوع باید فکر کنند دست برداریم و وقتی توده مردم ببینند که با هر گرایش و وضعیتی که دارند می‌توانند یک طلبه را پیدا کنند و با او ارتباط برقرار کنند، می‌توان تا حدودی این آسیب را ترمیم کرد ولی بازگشت همان اعتبار و اعتماد سابق دور از ذهن به نظر می‌رسد.

منبع: خبرگزاری مهر